

## بررسی جایگاه زنان در سیره حکومتی پیامبر اعظم(ص)

دکتر ابراهیم خراسانی پاریزی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت

### چکیده

با مطالعه سیره پیامبر اعظم(ص) در دوران بعثت و حاکمیت، حضور فعال بانوان در عرصه‌های علم و فرهنگ، اقتصاد، سیاست و اجتماع مشاهده می‌شود. هر چند شیوه‌های حضور آنان با توجه به شرایط و احوال اجتماعی و فرهنگی متفاوت بوده است. فعالیت گسترده بانوان در امر آموزش و فراگیری علم نه تنها ممنوع بوده بلکه همواره مورد تأیید واقع شده است. فعالیت زنان در حوزه اقتصاد نیز در سیره نبوی امری مجاز است همچنین از جلوه‌های حضور زنان در عصر پیامبر(ص) حضور سیاسی و هجرت و بیعت آنان با رسول خدا است. حضور زنان در صحنه‌های نبرد برای کمک به مجاهدان و امداد رسانی نیز مشهود است. می‌توان گفت عصر نبوی یک جهش و یک جنبش در مورد جایگاه زنان و مشارکت آنان در جامعه ایجاد شد. این مقاله به بررسی جایگاه و منزلت زنان در عرصه‌های گوناگون در سیره حکومتی پیامبر اعظم(ص) می‌پردازد. اهمیت سیره نبوی به عنوان یکی از منابع چهارگانه شناخت اسلام از دلایل اهمیت موضوع می‌باشد. روش تحقیق، روش کتابخانه‌ای (تاریخی) است که با استفاده از منابع دست اول و تحقیقات جدید به بررسی و ارزیابی موضوع پرداخته می‌شود.

**واژگان کلیدی:** زن، زنان، سیره نبوی، حکومت، پیامبر اعظم(ص)

### مقدمه

ظهور اسلام تغییراتی بنیادین در رویکرد به مقوله «زن» ایجاد نمود و جایگاه زن را از بیشترین مسئولیت در قبال کم‌ترین احترام به متناسب‌ترین مسئولیت در قبال بیشترین احترام ارتقاء داد. با نگاهی به آیات قرآن و سیره نبوی این جایگاه بهتر مشخص می‌شود. رابطه معناداری که بین عمل به سیره پیامبر در میان حاکمان و زمامداران جهان اسلام و حضور اجتماعی زن در عرصه‌های مختلف به چشم می‌خورد بر این نکته تأکید می‌کند که حذف زن از صحنه‌های اجتماعی در برخی از زمان‌ها حاصل برداشت‌ها و تفسیرهای غیر مرتبط با سیره نبوی است و باید از نسبت و ارتباط دادن آن به اسلام اجتناب کرد و برای ریشه‌یابی آن باید به دنبال دیدگاه‌های حاکمان و عوامل

تاریخی دیگری گشت. در این پژوهش در ابتدا نگاهی مختصر به جایگاه زن در عصر جاهلی شده و در ادامه به جایگاه زنان در سیره نبوی و به خصوص حکومت پیامبر پرداخته می شود.

### جایگاه زنان در فرهنگ سیاسی جامعه جاهلی

فرهنگ سیاسی جامعه جاهلی با توجه به نظام سیاسی بسیطی که بر آن حاکم بود چندان پیچیده نبود. بنابر این تعداد محدودی از عناصر فرهنگ سیاسی را در قالب نظام سیاسی حاکم بر عرب جاهلی می توان بر شمرد. یکی از مهم ترین آنها «جنگ» بود. نمود دیگر از فرهنگ سیاسی که به تنظیم امور داخلی قبیله می پرداخت، مشورت بود که افراد قبیله بر اساس ویژگی هایی همچون اصالت، کرامت و ریش سفید بودن به شور می پرداختند. در مورد مشارکت زنان در این عرصه باید گفت: فرهنگ خاص حاکم بر جامعه جاهلی جهت خاصی به مشارکت آنان می داد. در فرهنگ عرب جاهلی، پسران برتر از دختران بودند و این امر ناشی از عواملی از جمله اتکای اعراب به شکار، حمله و جنگ به کمک فرزندان ذکور بود. در چهارچوب این فرهنگ، زن در ردیف دارایی ها و مایملک مرد بود تا حدی که می توانست حق حیات را هم از زن دریغ کند و او را زنده به خاک سپارد. (کاشف الغطاء، ۱۳۸۴: ۳۰۰)

نکته دیگر آن که به عقیده عرب، انتقال دهنده نسب پسر است و دختر جزء خانواده شوهر. با این دیدگاه وقتی زن وارد عرصه مشارکت سیاسی می شود قطعاً موجودیت مستقلی از خود نخواهد داشت. جنگ که شاید مهم ترین مساله سیاسی قبایل عرب جاهلی بود. در خصوص حضور زنان در آن باید گفت: آنان صرفاً در جهت تهییج مردان و شعله ور کردن آتش غیرت آنها ایفای نقش می کردند. علاوه بر این به مداوای مجروحان هم می پرداختند. در مجموع می توان گفت آن چه در میان اعراب جاهلی عمومیت داشت منجر به شکل گیری هنجارهای مشارکتی فعال توسط زنان نمی شد و آنان بیشتر به حمایت از قبیله می پرداختند و کمتر به خواسته ها و حقوقشان توجه می شد. در این چهارچوب، زنان تابع شرایط موجود بودند و نمی توانستند نقش فعال و تاثیرگذار بر سیاست داشته باشند. علاوه بر آن به عنوان یک شهروند درجه یک شناخته نمی شدند و بسیاری از حقوق آنان سلب می شد. (کاشف الغطاء، ۱۳۸۴: ۳۰۱) البته بر خلاف نظرات مشهور عرصه جاهلیت مترداف با کنار گذاشتن زنان از عرصه های اجتماعی نبوده است. شاید در اجتماع جاهلیت زنان باری به مراتب سنگین تر از مردان به دوش می کشیدند تا جایی که مردان به دلیل این جابه جایی در نقش ها و از سر فراغت به کارهایی نظیر جنگ ها و خونریزی ها می پرداختند. البته باید در نظر داشت مسئولیت سنگینی که در اجتماع و خانواده بر دوش زنان عصر جاهلیت بود هرگز مفهوم احترام و آزادی نداشت. بلکه حکایتی بود از وضع زندگی رقت باری که در خدمتکاری و فساد و بهره کشی سودجویانه خلاصه می شد. (اوحدی حائری و کاظم حاجی رجبعلی، ۱۳۸۷: ۷۶)

در واقع در عصر جاهلیت زنان حکم ابزاری را داشتند که علاوه بر به گردش در آوردن چرخه اقتصاد و اجتماع از هر لحاظ مایه تامین منویات و سودجویی های مردان می شدند. اعراب برای زنان استقلالی قائل نبودند و حرمت و شرافتی برای آنها جز حرمت و شرافت خانواده نمی شناختند. به زنان ارث نمی دادند و تعدد زوجات را جایز می دانستند. همچنین طلاق را بدون هیچ قید و شرطی تجویز می نمودند. دختران را زنده به گور می کردند و دختردار شدن را عار می شمردند چنان که اگر خبر زایش دختری به پدر داده می شد به واسطه آن خبر شوم خود را از مردم پنهان می کرد. اما پسر را خوش می دانستند و در زیادی آن هر چند به وسیله پسرخواندگی، نزاع در می گرفت. (اوحدی حائری و کاظم حاجی رجبعلی، ۱۳۸۷: ۷۷ و ۷۸) در واقع عوامل تبعیض آمیز در رابطه با زنان نظیر تبعیض در عرصه های سیاسی و تصمیمات اجتماعی و خانوادگی معلول همین دیدگاه اعراب جاهلی راجع به زنان بود.

### ظهور اسلام و تحول جایگاه زنان

عرصه و میدانی که اسلام برای حضور و فعالیت زنان ایجاد نمود قطعاً قابل مقایسه با جاهلیت نیست. اما ابتکار و نوآوری اسلام به تنهایی در این مساله خلاصه نمی شود، بلکه اسلام برای زنان بیش از هر چیز با خود هویت و منزلت و احترام توأم با تاثیر به ارمغان آورد. در واقع اسلام با تفکیک میان نقش های تکوینی، انسانی و عبادی با نقش های اعتباری و قراردادی و با تعیین و شفاف نمودن قلمرو مسئولیت های اختصاصی و مشترک زنان و مردان، نقشه ای جامع از فضای انسانی ترسیم می نماید. (اوحدی حائری و کاظم حاجی رجبعلی، ۱۳۸۷: ۸۴)

برای فهم تحول جایگاه سیاسی زنان، باید تحول نظام و فرهنگ سیاسی جاهلی به اسلام را بررسی کرد. ریشه های این تحول به تعلیمات پیامبر اکرم (ص) که مبتنی بر وحی الهی است باز می گردد. اندیشه دینی که توسط پیامبر (ص) مطرح شد بر خلاف زندگی قبیله ای بود که تربیت افراد را در چهارچوب های محدود شکل می داد و افراد را فراتر از محدودیت های قومی تربیت می کرد. همان گونه که اسلام به تحول در جامعه جاهلی دست زد، هم زمان وضعیت زنان را نیز متحول ساخت. از نظر اسلام همان گونه که زن و مرد در وابستگی و استقلال وجودی مساوی اند در بسیاری امور دیگر مثل استقلال سیاسی و اقتصادی نیز یکسانند. قرآن، زن را همچون مرد مسئول و متعهد معرفی کرده و به او حق داده است در مسائل اصلی خود تصمیم گیر باشد و در انتخاب روش سیاسی و حکومتی که باید مبتنی بر شناخت و آگاهی باشد شخصاً اقدام کند تا آن جا که زنان به عنوان افراد مستقل با پیامبر (ص) بیعت کردند و حکومت ایشان را به رسمیت شناختند که در ادامه به جایگاه زنان در حکومت و سیره پیامبر (ص) پرداخته می شود.

## بررسی جایگاه زنان در حکومت و سیره پیامبر(ص)

مسلم است که اسلام تحولی اساسی در فرهنگ سیاسی اعراب جاهلی ایجاد کرد شاید عناصری از فرهنگ سیاسی اسلام که به آنها پرداخته خواهد شد همه از ابتکارات اسلام نباشد ولی اسلام با تغییر مفاهیم و بنیان‌ها، این عناصر را به مجالی برای فعال شدن مشارکت سیاسی مردان و زنان به صورت آگاهانه تبدیل کرد. عناصری همچون بیعت، هجرت، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر که در افزایش کارکرد انسجام و یکپارچگی نظام سیاسی ایفای نقش کردند که در این جا به بررسی جایگاه زنان در حکومت پیامبر(ص) پرداخته خواهد شد.

۱- بیعت: درک اهمیت حضور زنان در بیعت‌های دوران پیامبر(ص) مستلزم در نظر گرفتن بیعت به عنوان یکی از حساس‌ترین امور سیاسی اسلام است. در واقع با این بیعت‌ها مسلمانان اظهار می‌داشتند که در هر شرایطی از اوامر رهبری اطاعت خواهند کرد و در پیروی از او هیچ گونه سستی به خود راه نخواهند داد. (کاشف الغطاء، ۱۳۸۴: ۳۰۵) در عمده بیعت‌های عمومی رسول خدا(ص) بانوان نیز شرکت داشتند از جمله بیعت عقبه اول، بیعت عقبه دوم، بیعت رضوان، بیعت فتح و بیعت غدیر خم که به آنها می‌پردازیم؛

**بیعت عقبه اول:** اولین بیعت عمومی در زمان رسالت پیامبر اکرم بیعت عقبه اول یا بیعت النساء بود که در سال دوازدهم بعثت انجام گرفت. این بیعت در زمانی واقع شد که مسلمانان به شدت از جانب مشرکان تحت فشار بودند در بیعت عقبه اول زنی به نام عفره دختر عبید بن ثعلبه حضور داشت. (کاشف الغطاء، ۱۳۸۴: ۳۰۶)

**بیعت عقبه دوم:** سال سیزدهم بعثت، مصعب بن عمیر، مبلغ رسول خدا(ص) در مدینه به همراه بیش از ۷۲ نفر مرد و ۱۸ زن از اوس و خزرج در موسم حج به مکه آمد و در شب ۱۲ ذی‌الحجه با پیامبر دیدار کرد. این افراد خطاب به پیامبر گفتند: ما این بیعت را تا حد بذل مال و از میان رفتن ثروت و کشتن و کشته شدن بزرگان خود می‌پذیریم و همانند نوامیس خود از پیامبر در مدینه حمایت خواهیم کرد لذا این پیمان به بیعت‌الحرب معروف شد. (قائدان، ۱۳۸۶: ۶۲)

**بیعت رضوان:** در ذی‌القعدة سال ششم هجری پیامبر(ص) به همراه گروهی از مهاجرین و انصار به قصد زیارت خانه خدا عازم مکه شدند. رسول خدا در این سفر ام سلمه را همراه خود بردند و از زنان دیگر ام‌عمار، ام‌منیع، اسماء دختر عمرو، ام‌عامر الاشهلیه نیز در این سفر شرکت داشتند. مشرکان مانع ورود پیامبر و اصحاب شدند. پیامبر و همراهان در حدیبیه توقف کردند. مسلمانان با پیامبر پیمان بستند که فرار نکنند و تا لحظه مرگ از اسلام و پیامبر دفاع کنند. قرآن کریم این پیمان مومنان را پیمان با خداوند دانسته است (قرآن، فتح: ۱۰) سرانجام قرار داد صلح میان مسلمانان و

قریش منعقد گردید و جنگی اتفاق نیفتاد، این بیعت مقدمه بیعت فتح بود. (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۵۴ و ۲۵۵)

**بیعت فتح:** در بیستم رمضان سال هشتم هجری پس از فتح مکه، مردم بر گرد رسول خدا(ص) اجتماع کرده و با او در اطاعت از خداوند و پیامبر بیعت کردند. پس از آن که بیعت مردان پایان یافت. گروهی از بانوان که تعداد آنها را قریب پانصد نفر ذکر کرده‌اند به حضور پیامبر رسیده و با ایشان بیعت کردند(حسینی، ۱۳۸۶: ۲۵۵)

**بیعت غدیر خم:** پیامبر(ص) بعد از پایان حج در حجه الوداع در سال دهم هجری بعد از این که از جانب خداوند ماموریت یافت امام علی(ع) را به عنوان جانشین به مردم معرفی نماید از مردم خواست که با امام علی به عنوان ولی بیعت کنند پس از آنکه بیعت مردان پایان یافت. پیامبر(ص) به همسران خود و بقیه بانوان مومن دستور دادند تا بر امام علی(ع) وارد شوند و بر ولایت امام علی(ع) بیعت کنند و آنان نیز چنین کردند. (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۶۱ و ۲۶۲) البته نحوه بیعت زنان به این صورت بود که رسول خدا(ص) می فرمود که ظرفی را پر از آب کنند و ایشان دست مبارک خود را در ظرف آب فرو می برده و بیرون می آوردند و پس از آن زنان دست خود را در همان آب فرو می بردند و به این گونه بیعت می کردند. لازم به ذکر است که شیوه بیعت پیامبر با زنان به وضوح نمایانگر این امر است که اگر دین مقدس اسلام بر حضور زنان در صحنه اجتماع و حمایت آنها از دین و رهبر دینی اصرار دارد، از سوی دیگر بر رعایت حدود و مرزهای لازم بین زنان و مردان در جامعه نیز تاکید می کند. (کاشف الغطاء، ۱۳۸۴: ۳۰۷)

**۲- هجرت:** هجرت یکی از عوامل بقای اسلام و در نوع خود عامل بسیار مهمی بود. در تاریخ صدر اسلام دو هجرت یکی به حبشه و دیگری به مدینه رخ داد از این دو سفر بسیار گفته‌اند ولی آنچه کمتر از آن پرداخته شده، حضور هم پای زنان و مردان در این فراز سخت و شکوهمند صدر اسلام است. به عبارت دیگر این حرکت بنای اولین خشت در معماری حکومت اسلامی پیامبر است. در واقع آنچه اهمیت دارد حضور فیزیکی زنان در این سفرها یا صرف بودن آنها همراه مردان نیست، بلکه توجه به این امر لازم است که ایمان آن چنان در وجود زنان مسلمان مهاجر ریشه دوانده بود که همه علقه‌ها و علاقه‌های مادی را برای تاسیس حکومت اسلامی کنار گذاشتند. اقدام سیاسی این زنان مهاجر می‌بایست خالصانه باشد و شائبه ملاحظیات فردی در آن نباشد تا مبادا به انگیزه فرار از منازعات خانوادگی و یا علاقه به سیر و سفر، ترک دیار کرده باشند. (کاشف الغطاء، ۱۳۸۴: ۳۰۸) از این رو خداوند متعال در آیه ۱۰ سوره ممتحنه می فرماید: «زنان مومن مهاجر را بیازمایید و آنگاه که صداقتشان را در هجرت یافتند، آنان را به سرزمین کفر باز نگردانید.» هجرت اول به حبشه در سال پنجم صورت گرفت و یازده مرد و چهار زن در آن شرکت داشتند در هجرت

دوم به حبشه هجرت کنندگان ۸۳ مرد و ۱۸ زن بودند. (قائدان، ۱۳۸۶: ۵۶) با بالا گرفتن فشارها و شکنجه‌ها از سوی مشرکان، مسلمانان به دستور پیامبر(ص) هجرت دیگری انجام دادند که آن هجرت به مدینه بود و مسلمانان در این هجرت، خانه و کاشانه خود را برای همیشه در مسیری به مسافت ۴۸۰ کیلومتر به مقصد مدینه ترک می‌کردند ولی با وجود این در این هجرت شاهد حضور گسترده زنان هستیم زانی که خالصانه با وجود لطافت وجودی‌شان سختی‌های راه را به جان خریدند تا اسلام خویش را حفظ کنند از جمله این زنان فاطمه بنت اسد، مادر گرامی حضرت علی(ع) بود که به سوی پیامبر از مکه به مدینه هجرت کرد. علاوه بر هجرت‌هایی که در ابتدای هجرت پیامبر(ص) به مدینه صورت گرفت هجرت‌های دیگری هم از سوی زنان پس از صلح حدیبیه انجام شد که به دلیل مفاد صلح حدیبیه مبنی بر باز گرداندن مهاجران در جای خود حائز اهمیت است. پیامبر پس از هجرت این زنان مفاد صلح‌نامه را مربوط به مردان دانست و از باز گرداندن زنان به نزد مشرکان خودداری کرد، البته این مساله منوط به این بود که این اقدام سیاسی زنان، خالصانه و به دور از ملاحظات فردی باشد. (آیت‌الهی، ۱۳۸۰: ۳۲)

**۳- امان دادن:** یکی دیگر از حقوقی که پیامبر برای زنان قائل شد مساله امان دادن بود. در عصر پیامبر در موارد متعددی زنان به برخی از بستگان خود امان دادند مانند امان دادن زینب دختر رسول خدا(ص) به همسرش ابوالعاص (احمد بن ابی یعقوب، ۱۳۷۴: ۱/ ۴۳۳)، امان دادن ام هانی خواهر امام علی(ع) در روز فتح مکه به دو تن از بستگانش (محمد بن سعد، ۱۳۷۴: ۱۴۱/۲ و ۱۴۲) و امان دادن ام حکیم به همسرش. (طبری، ۱۳۶۲: ۳/ ۱۱۸۸)

**۴- مشارکت در جهاد:** جهاد عرضه سیاسی و اجتماعی دیگری است که بانوان نیز به نوعی در آن مشارکت داشتند از جمله: حضور در جهاد و نبرد همراه پیامبر(ص)، برای مثال پیامبر(ص) سهم زنانی را که در غزوه خیبر شرکت کرده بودند برابر با مردان داد. بانوان در پشتیبانی جبهه‌ها نقش مهمی داشتند و در تهیه مهمات و سلاح برای مجاهدان صاحب نقش بودند همچنین در تبلیغات و امور مربوط به ارتباط و رثای شهداء مجدانه شرکت داشتند و در حزن از دست دادن همسر، فرزند و برادر مجاهدشان نیز شکبیا و استوار گام بودند. (آیین‌هوند، ۱۳۸۴: ۱۹) آن‌گونه که در تاریخ آمده است چهارده زن از جمله حضرت فاطمه(س) در جنگ احد حاضر بودند. آنان غذا و آب سربازان را حمل می‌کردند و به مجرومان آب می‌دادند و آنان را مداوا می‌کردند. (واقعی، ۱۳۶۹: ۲۴۸/۱) در جنگ احد از زنی به نام نسبیه نام برده می‌شود که از رسول خدا(ص) دفاع کرده و پیامبر با لبخند عمل او را تایید نمود؛ همین زن در جنگ با فتنه‌گر معروف مسیلمه کذاب یک دست خود را فدا می‌کند. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق: ۱۴/ ۲۶۶)

۵- مشارکت‌ها و ظرفیت‌های اداری: پیامبر اکرم(ص) در حکومت خویش نصب‌هایی نیز در خصوص زنان داشت که از جمله می‌توان به مواردی اشاره کرد: نصب زنان در امور حسبه (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۳/ ۳۱۰)، نصب ام ایمن به عنوان نگهبان(کتانی، ۱۳۷۵: ۱/ ۲۰۰)، نصب ام ورقه دختر عبدالله بن حارث به عنوان مربی قرآن(کتانی، ۱۳۷۵: ۱/ ۴۷)، نصب ام سلیمان بن ابی حثمه به‌عنوان معلم کتابت قرآن.(کتانی، ۱۳۷۵: ۱/ ۴۹)

۶- آموزش بانوان: یکی از موضوعات مهم و مرتبط با پذیرش اسلام زنان، آموزش زنان بود چرا که اسلام، آیین جدیدی بود که این مساله لزوم آموزش به زنان را افزون می‌نمود بر این اساس از همان ابتدای بعثت پیامبر آموزش مسائل عبادی به بانوان داده می‌شد. روند آموزش زنان در دوران مدینه چشمگیر بود. فاطمه زهرا(س) شاگردانی مانند اسماء، فضا، ام ایمن و رقیه داشت. ام سلمه و دیگر زنان پیامبر نیز از استادان و معلمان مدارس زنان بوده‌اند. شفا دختر عبدالله بن شمس (از مهاجران اولیه) بنا به دستور رسول خدا(ص) آموزش حفصه همسر پیامبر را بر عهده گرفت. این عمل باعث شد دیگر زنان نیز به امر آموختن روی آورند. دیری نیاید که در مدینه تعداد زنان با سواد رو به فزونی نهاد از این رو آنان از رسول خدا(ص) تقاضا کردند روز خاصی را برای یادگیری تعلیمات دینی به بانوان اختصاص می‌دهد چون مردها بر این امر بر آنان پیشی گرفته بودند. پیامبر هم این خواسته آنان را پذیرفت و از آن پس به طور مرتب با آنها دیدار می‌کرد.(فاضلی بیارجمندی، ۱۳۸۱: ۱۴۳ و ۱۴۵) همچنین پیامبر اکرم(ص) فرمود: «نعم النساء نساء الانصار لم يمنعهن الحیاء ان يتفقهن فی الدین»(مهريزي، ۱۳۸۲: ۶۰) زنان انصار، خوب زنانی هستند، شرم مانع فقاهايت آنان در دين نمی‌شود.» پیامبر(ص) آموزگاران زن را همواره مورد تفقد قرار می‌داد و پیوسته آرزومند و خواستار آن بود تا تعداد بیشتری از زنان تحت تعلیم و آموزش قرار گیرند، محمد(ص) خواستار آن بود که کنیزکان نیز تحت تعلیمات عمومی قرار گیرند و پاداش کسانی که به چنین زنانی، دانش بیاموزند از نظر ایشان دو برابر پاداش آموزش علم به دیگران بود.(حکیم‌پور، ۱۳۸۴: ۱۹۹) در ایام زندگانی پیامبر اکرم(ص) و بعد از رحلت ایشان، فاطمه زهرا و همسارن پیامبر(ص) در مسائل دینی و فقهی مرجع مردم شدند و خانه هر یک از آنان به‌صورت مدرسه‌ای درآمد. به گونه‌ای که بزرگان صحابه بسیاری از مسائل فقهی و دینی را از ایشان می‌پرسیدند و آنان به‌عنوان مصادر تحقیقاتی بزرگان درآمد بودند.(فاضلی بیارجمندی، ۱۳۸۱: ۱۴۵)

۷- فعالیت اقتصادی بانوان: دین اسلام، پیروانش را به کار و کوشش و سود بردن از امکانات بیشتر برای تولید ثروت و رشد و توسعه جامعه با رعایت عدالت برای همگان، تشویق می‌کند. از نگاه اسلام، کارگر فعال بر غیرفعال و تولید کننده تلاشگر بر مصرف کننده غیرمتکی به خود، ارجح است. متون تاریخی از فعالیت اقتصادی زنان در عصر پیامبر خبر می‌دهد. برای نمونه همسر پیامبر

زینب دختر جحش اسدی در صنایع دستی شهرت داشته است. همسر عبدالله بن مسعود صاحب حرفه دستی بوده و به وسیله این کار به همسرش عبدالله هم کمک می‌کرده است. قیله انماری تاجر بوده و در باب داد و ستد از پیامبر(ص) راهنمایی می‌گرفته است. حولا زنی بود که در مدینه عطاری داشت، ملیکه ثقفی عطر فروش بود. سعیره اسدی، پارچه‌بافی داشت و از پشم و مو پارچه درست می‌کرد. خاله جابر بن عبدالله انصاری نخلداری می‌کرد. شفا دختر عبدالله قرشی، خالده دختر انس انصاری و اسماء دختر عمیس، صاحب حرفه و مشاغل بوده‌اند و درباره شغل‌شان از پیامبر(ص) اجازه گرفته بودند. (آیین‌وند، ۱۳۸۴: ۱۹) اسماء وام رعله قشیری و آمنه دختر عفان خواهر عثمان، آرایشگر زنان بودند و پیامبر در این شغل به آنها اجازه داده بود. شغل‌هایی که زنان در این زمان به آن می‌پرداختند عموماً عبارت بودند از: صنایع دستی، نخ‌ریسی و پارچه‌بافی، دستفروشی، آرایشگری، دامداری و چوپانی، کشاورزی و باغداری، دباغی، خرازی، خیاطی، خدمتکاری و نظافت، شیردهی حضانت و نگهداری اطفال، بازرگانی، کاراداری بازار، انتظامات، پرستاری و خدمات ضروری و پزشکی و جراحی. (آیین‌وند، ۱۳۸۴: ۲۰) روایت شده که روزی رسول خدا(ص) وارد خانه شد و زینب عطر فروش را دید. او فروشنده لوازم آرایشی به زنان بوده در ضمن وسایل آرایش زنان پیامبر(ص) را نیز فراهم می‌کرد. پیامبر(ص) به او فرمود: آفرین بر تو که خانه‌های ما را معطر می‌کنی. زینب گفت: ای رسول خدا(ص) امروز برای فروش نیامده‌ام بلکه آمده‌ام تا از شما در مورد چگونگی آفرینش جهان سوال کنم. پیامبر(ص) نیز چگونگی آفرینش جهان را با تفصیل بیان کرد. (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۵۰) علامه طباطبایی(ره) در مورد فعالیت اقتصادی بانوان می‌نویسد: «در اسلام، زن در تمامی احکام عبادی و حقوق اجتماعی شریک مرد است و او نیز مانند مردان می‌تواند مستقل باشد و فرقی با آنان ندارد نه در کسب و انجام معاملات، نه در تعلیم و تعلم و نه در به دست آوردن حقی که از او سلب شده، نه در دفاع از حق خود و نه احکامی دیگر، مگر تنها در مواردی که طبیعت خود زن اقتضا دارد که با مرد فرق داشته باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/ ۴۱۰ و ۴۱۱)

۸- امر به معروف و نهی از منکر: دو فریضه همه جانبه است که بر این اساس، می‌توان در حوزه‌های سیاسی نیز از آنها بحث کرد. اهمیت این دو فریضه تا حدی است که خداوند متعال در یازده آیه قرآن مردم را به آنها سفارش کرده است. در این خطاب‌های عام تفاوتی بین زن و مرد در آنها وجود ندارد. علاوه بر خطاب عام قرآن بر این امر واجب الهی خداوند در سوره توبه با ذکر جنسیت، به‌طور جداگانه تاکید بیشتری می‌نماید و می‌فرماید: «المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و یبهنون عن المنکر» (قرآن، توبه: ۷۱) به یقین امر به معروف و نهی از منکر رفتاری است که مطابق آیه مذکور بر زن و مرد مسلمان واجب است. این آیه در حقیقت



وجود نظارت و کنترل زنان بر کارگزاران سیاسی را نیز مطرح می‌نماید. (کاشف الغطاء، ۱۳۸۴: ۳۱۰) پیامبر گرامی نیز در سیره نظری و عملی خود همواره زنان و مردان مسلمان را به اهمیت و عمل به امر به معروف و نهی از منکر دعوت می‌نمودند.

**۹- برخورد پیامبر(ص) با مطالبات زنان:** برخوردهای کریمانه‌ای که پیامبر اکرم(ص) به عنوان حاکم اسلامی با دختران، همسران، زنان فامیل و زنان مدینه داشتند پاسخ قطعی و روشن به نفی برخوردهای ظالمانه می‌باشد. برای مثال وقتی عده‌ای از زنان نزد ایشان آمده و از این‌که همسرانشان رهبانیت و گوشه‌گیری اتخاذ کرده‌اند، شکایت کردند. پیامبر(ص) با حالت غضب به سراغ همسرانشان رفت و فرمود که رهبانیت در دین من نیست. در داستان دیگری، دختری اشراف‌زاده می‌خواست با جویر که سیه‌چرده بود ازدواج کند ولی پدر دختر ممانعت می‌کرد. پیامبر(ص) با پدر ایشان صحبت کرد و ازدواج صورت پذیرفت که این دفاع از حقوق یک دختر بود که بتواند آزادانه تصمیم بگیرد. همچنین دختر رسول خدا(ص) در ازدواج با حضرت علی(ع) آزادانه تصمیم گرفت. (قوامی، ۱۳۸۵: ۶۰) همسران پیامبر نیز در طرح مسائل و مطالبات خود آزاد بودند و گاهی با ایشان مشاجره می‌کردند و سهم‌خواهی و زیاده‌خواهی داشتند و رسول خدا(ص) را مجبور به انزوا و کناره‌گیری می‌کردند و پیامبر به آنها خشونت نمی‌کرد تا خداوند آیات تغییر را نازل فرمود: «ای پیامبر به همسرانت بگو اگر زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید بیایید با هدیه‌ای شما را بهره‌مند کرده به طرز نیکویی رها سازم و اگر خدا و پیامبرش و سرای آخرت را می‌خواهید خداوند برای نیکوکاران شما پاداش عظیمی آماده ساخته است» (قرآن، احزاب: ۲۸ و ۲۹) در این آیات خداوند، همسران پیامبر را بین اختیار خدا و رسول و آخرت و اختیار دنیا و آزادی و طلاق مخیر و آزاد گذاشت و آنها از این میان، آزادانه خدا و رسول را اختیار کردند. این همه آزادی در مطالبه و انتخاب آن هم برای زنانی که مدتی قبل در جاهلیت زندگی می‌کردند که هم انسانیت زن و هم زن بودن او فراموش شده بود شگفت‌آور است. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که اگر زنان در یک فضای دینی و در حکومت نبوی در انتخاب، آزاد گذاشته شوند به انتخاب برتر یعنی انتخاب معنوی و آسمانی دست می‌یازند. (قوامی، ۱۳۸۵: ۵۵ و ۵۶) پیامبر می‌توانست با استفاده از قدرت سیاسی و اجتماعی خویش با همسرانش برخورد کرده و به آنها تفهیم کند که شرایط همین است و باید بسازند. وظیفه‌شان اطاعت از شوهر است آن هم شوهری مثل رسول خدا(ص) که حاکم سیاسی است. یا این‌که می‌توانست شرایط بهتری برای آنها فراهم کند و امکانات فوق‌العاده‌ای برای آنها تهیه نماید کاری که قدرتمندان سیاسی می‌کنند یا خودکامگی و یا تامین شرایط تبعیض‌آمیز نسبت به سایر زنان جامعه. اما پیامبر اکرم(ص) این کار را نکرد بلکه فضای انتخاب آزادانه و آگاهانه را برای زنان فراهم آورد. (قوامی، ۱۳۸۵: ۵۷)

موارد ذکر شده نمونه‌هایی از ظرفیت‌های ایجاد شده برای زنان در عصر پیامبراکرم(ص) است. در یک جمله می‌توان گفت در عصر نبوی یک جهش و یک جنبش در مورد جایگاه زنان و مشارکت آنها در جامعه ایجاد شد. هدف حکومت اسلامی از توسعه مطالبات زنان و احیاء و بیان حقوق آنان، رساندن آنها به کمال و سعادت دنیوی و اخروی بوده است. تکمیل مدینه فاضله و تحقق عدالت و استفاده از همه انرژی‌ها و ایجاد انگیزه معنوی در جامعه زنان در جهت پیوستن آنان به حرکت جمعی به سوی فلاح و رستگاری از جمله اهداف این مطالبات به شمار می‌رود. همچنین در مقابل مطالبات و حقوق، تکالیف و وظایف و حدودی هم قرار می‌گیرد که مانعی برای کمال و سعادت وجود نداشته باشد. به اصطلاح ترکیب حقوق و حدود یک تعادل و اعتدال ایجاد می‌کند تا به زنان به دور از افراط و تفریط به آن چه شایسته و بایسته و مصلحت است دست یابند. (قوامی، ۱۳۸۵: ۶۵)

### نتیجه‌گیری:

با توجه به مطالبی که آورده شد، روشن گردید که در عصر نبوی که جامعه اسلامی مستقیماً متکی به قرآن بود و از سنت بهره می‌گرفت، زن با آن‌که فاصله چندانی با جامعه جاهلیت نداشت کمتر از آن متأثر بود و اگر پاره‌ای افکار و عادات رخ می‌نمود به مدد وحی و ارشاد پیامبر(ص) اصلاح می‌شد. جامعه شاهد حضور طبیعی زن مسلمان بود و زنان مسلمان در عرصه‌های علمی، سیاسی و اجتماعی و اقتصادی فعالانه شرکت داشته و این فعالیت مورد تایید پیامبر(ص) بود. در حقیقت حضور زن با عمل به سیره پیامبر(ص) و سرمشق قرار دادن آن توسط حاکمان مرتبط است؛ آن‌جا که پیامبراکرم(ص) مدیر جامعه و مفسر حیات اجتماعی است زن در صحنه حاضر است ولی وقتی که بعدها کار مدیریت به مدیران عصر اموی و عباسی می‌رسد، احادیث جعلی جای سیره می‌نشیند و با استناد به آن زن از عرصه فعالیت اجتماعی کنار می‌رود. حذف زن از صحنه اجتماعی توسط برخی از حاکمان اسلامی ارتباطی با حقیقت آموزه‌های اسلامی ندارد. امید است با تمسک به سیره پیامبراعظم(ص) به رشد و اعتلای جایگاه زنان در جامعه به بالندگی کل جامعه کمک شود.

### منابع و مأخذ

۱. ابن ابی الحدید، ۱۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
۲. ابن سعد، محمد، ۱۳۷۴، طبقات، ج ۲، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ اندیشه.
۳. ابن ابی یعقوب، احمد، ۱۳۷۴، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی.

۴. اوحدی حائری، پروین دخت و حاجی رجبعلی، کاظم، ۱۳۸۷، «جایگاه زنان در عصر امامت امیرالمؤمنین علی (ع)»، فصلنامه بانوان شیعه، سال پنجم، شماره ۱۷.
۵. آیت الهی، زهرا، ۱۳۸۰، زن، دین، سیاست، تهران، سفیر صبح.
۶. آینه‌وند، صادق، ۱۳۸۴، «زنان در نخستین سده‌های اسلامی»، مجله پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۳.
۷. بیارجمندی، سید احمد فاضلی، ۱۳۸۱، نقش زنان شیعه در عصر امام علی (ع)، قم، مبثم تمار.
۸. حسینی، اکرم‌السادات، ۱۳۸۶، «غدیر: هجرت، بیعت و روایت بانوان»، فصلنامه بانوان شیعه، سال چهارم، شماره ۱۳ و ۱۴.
۹. حکیم‌پور، محمد، ۱۳۸۴، حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، تهران، نغمه نواندیش.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، تفسیر المیزان، ج ۲، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۶۲، تاریخ طبری، ج ۳، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
۱۲. قائدان، اصغر، ۱۳۸۶، تاریخ اسلام از میلاد پیامبر تا سال ۴۱ هجری، تهران، دانشگاه پیام نور.
۱۳. قوامی، سید صمصام‌الدین، ۱۳۸۵، «مطالبات زنان در حکومت نبوی»، نشریه کتاب زنان، سال نهم، شماره ۳۴.
۱۴. کاشف‌الغطاء، فاطمه، ۱۳۸۵-۱۳۸۴، «رشد سیاسی زنان (تحلیل فرایندی پیش و پس از ظهور اسلام)»، فصلنامه بانوان شیعه، سال سوم، شماره ۶ و ۷.
۱۵. کتانی، عبدالحی، ۱۳۷۵، نظام الحکومه النبویه، ج ۱، بیروت، شرکه دارالارقم بن ابی الارقم.
۱۶. مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۴ق، بحارالانوار، ج ۳، بیروت، موسسه الوفا.
۱۷. مهریزی، مهدی، ۱۳۸۲، شخصیت و حقوق زن در اسلام، تهران، علمی و فرهنگی.
۱۸. واقدی، محمد بن عمر، ۱۳۶۹، مغازی، ج ۱، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

**Status of women in Prophet Mohammad's (PBUH) governmental life**  
<sup>1</sup> Ebrahim Khorasani Parizi. PhD, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Baft Branch, Islamic. Azad University, Baft,Iran. Email:khorasani@iaubaft.ac.ir

**Abstract**

By investigating the life of Prophet of God, Prophet Mohammad (PBUH), During the Be'sat (mission) and governance, active women's participation in the fields of science and culture, economy, politics and society can be seen. However, their participation methods according to the social and cultural conditions and circumstances were different. Not only the Women's high activity in the field of educating and learning science was not forbidden, but also it always had been approved. In addition, women's economic activity in the Prophet's life was permissible. Also the effects of women's presence in the era of Prophet Mohammad (PBUH) are the political participation, migration (hejira), and allegiance to the Prophet of God. The women's participation in battle places in order to help warriors and assist people is obvious. It can be said that in the Prophetic era a mutation and movement about the women's position and their participation was created in society. This article reviews women's glory and status in various fields of governmental life of Prophet Muhammad (PBUH). The importance of Prophetic life as one of four sources of Islamic Understanding is the reason for the importance of this subject. Research Methodology, is a library (historical) method which examines and reviews the subject using the primary sources and new researches.

**Keywords:** Woman, women; Prophetic Life; Government; the Prophet of God; Prophet Mohammad (PBUH)

---

<sup>1</sup>Ebrahim Khorasani Parizi, Email:khorasani@iaubaft.ac.ir Corresponding author : -1